

طرح‌های تکراری برای تجاوز به استقلال کانون وکلا

نشست اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری

۴ شهریور ۱۴۰۲

در روزهای پایانی مردادماه، رسانه‌ها خبر از تنظیم ماده‌ای به شماره ۴ در کمیسیون تلفیق مجلس که درگیر رسیدگی به برنامه هفتم توسعه است دادند. این ماده در راستای آسیب‌رساندن به استقلال کانون وکلای دادگستری است که در اندیشه گنجاندن آن در برنامه هفتم هستند. شایسته است اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری نشست دیگری درباره آن داشته باشد. در همین حال روز ۲۹ مرداد، رسانه‌ها خبر از تصویب یک بند الحاقی را در مجلس دادند که در هم شکستن استقلال کانون وکلا را هدف گرفته است و موضوع سخنان امروز من می‌باشد.

در بهمن ماه سال ۱۳۹۹، طرح «اصلاح مواد ۷۱ و ۷۲ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴» به تصویب مجلس رسید. طرح تسهیل صدور مجوز کسب و کار نیز در ۱۷ شهریور سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس رسید. روز یکم شهریور ۱۴۰۱ نیز طرح تفسیر مصوبه تسهیل مجوز کسب و کار به تصویب مجلس رسید. در بخشی از مواد این طرح‌ها به قانون استقلال کانون وکلای دادگستری که دستاورد بزرگ وکلای دادگستری ایران و جهان به شمار می‌رود تجاوز شده است. طرح دیگری نیز در ۲۵ مهر ۱۴۰۰ زیر عنوان «تأمین مالی و جهش تولید» به مجلس تقدیم شده بود که سرانجام با همه آشفتگی‌های آن در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ به تصویب مجلس رسید. در این طرح، ماده ۲۲ مکرر به ماده ۱۹ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب سال ۱۳۹۴ افزودند. یک واقعیت نگران‌کننده که به تأیید مقامات مسئول رسیده این است که ۹۰ درصد اقتصاد ایران زیر کنترل دولت و نهادهای وابسته به آن است. این طرح‌های تکراری و فریبکارانه نیز قطعاً چاره‌ساز شکوفایی تولید و اشتغال‌سازنده در کشور ما نخواهند بود. این طرح‌ها که با تخلف از اصول قانون اساسی به تصویب رسیده‌اند به دنبال از هم گسیختن شیرازه نهادهای صنفی و حقوقی جاافتاده در کشور ما هستند که با تصویب قوانین دائمی و ارزشمند، ثبات و امنیت را در نظام اداری و حقوقی کشور ما استوار ساخته‌اند.

سایت «وکلا پرس»، روز ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ خبر از تصویب یک بند الحاقی دیگر را به ماده ۱۹ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام تأمین مالی کشور» داد. این بند الحاقی جدید در طرح «تأمین مالی و جهش تولید» که در ۲۵ مهر ۱۴۰۰ به مجلس تقدیم شده بود وجود نداشته است و موضوع آن هم هیچ

ارتباطی به عنوان و مواد طرح تأمین مالی و جهش تولید ندارد. بنابراین نمایندگان مجلس نمی‌توانسته‌اند روز ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ درباره آن تصمیم‌گیری و آن را به تصویب برسانند. این بند الحاقی جدید که دخالت در وظایف کانون‌های وکلای دادگستری است، هیچ ارتباطی به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر نیز ندارد و برطبق اصل ۷۴ قانون اساسی می‌بایست با امضای ۱۵ تن از نمایندگان و با رعایت الزامات ماده ۱۲۷ آیین‌نامه داخلی مجلس در زمینه طرح‌های قانونی به هیأت‌ریسه تقدیم و پس از آن که در دستور جلسه علنی قرار گرفت و کلیات آن به تصویب رسید برای رسیدگی به کمیسیون مربوط ارجاع شود تا روند قانونگذاری درباره آن انجام گردد. از این‌رو اصل این بند الحاقی آشکارا ناسازگار با قانون اساسی است. مندرجات این بند الحاقی جدید نیز ناسازگار با اصول قانون اساسی و قانون استقلال کانون وکلایست که به آن‌ها می‌پردازم:

۱- مندرجات بند الحاقی جدید

در این بند که با حرف «ج» آغاز می‌شود و روشن نیست به کجا الحاق شده افزوده شده است: «عبارت به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، از ابتدای ماده ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۷۸/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی حذف می‌شود».

متن ماده ۷ اصلاحی مورخ بهمن ۱۳۹۹ مزبور چنین بوده است:

«به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی کسب و کار در صورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز موردنظر خود را دریافت کند...».

این در جای خود کاملاً روشن است که ماده ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب سال ۱۳۸۷ و یا متن اصلاحی آن مصوب سال ۱۳۹۹، هیچ ارتباطی به کانون‌های وکلا و صدور پروانه وکالت برای داوطلبان این حرفه نداشته‌اند. بنابراین با حذف چند سطر از ماده ۷ سابق یا لاحق، جایی برای قانونگذاری در زمینه صدور پروانه وکالت در یک بند الحاقی جدید به یک قانون بی‌ارتباط به وجود نمی‌آید. در ادامه این بند الحاقی بی‌ارتباط، با ادبیاتی مبتذل افزوده شده است:

«کلیه صدور مجوز کسب و کار از قبیل کانون‌های وکلای دادگستری، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری، نهادهای زیرمجموعه قوه قضاییه مانند مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور... بنا به تشخیص هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار موظف هستند پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون [!] کلیه مراحل صدور، تمدید، توسعه، اصلاح، تعلیق و ابطال هرگونه مجوز خود را صرفاً از طریق درگاه ملی مجوزهای کشور به صورت الکترونیکی انجام دهند».

با تصویب این بند الحاقی بی‌ارتباط به قوانین دیگر و ناسازگار با اصل ۷۴ قانون اساسی که نیازهای یک طرح قانونی در آن برآورده نشده است، به دنبال بی‌اعتبار کردن بسیاری از قوانین بنیادین و لازم‌الاجرای کشور هستند که در خلال ۷۰ سال گذشته با تشریفات قانونگزاری به تصویب رسیده و اجرا شده‌اند. از این رو این بند الحاقی آشکارا ناسازگار با آیین‌نامه داخلی مجلس و اصول قانون اساسی است.

۲- درگاه ملی مجوزهای کسب و کار غیرقانونی است

درگاه ملی مجوزهای کسب و کار کمترین جایگاهی در نظام قانونگزاری و ساختار قوه مجریه و وزارتخانه‌های تابع آن و یا قوانین دائمی مربوط به نهادهایی چون قوه قضاییه و کانون وکلای دادگستری که دارای استقلال و از پشتوانه قوانین ویژه خود برخوردار هستند ندارد. به ویژه وزارت اقتصاد و دارایی که این درگاه وابسته به آن گردیده است به موجب قانون ۲۴ تیر ۱۳۵۳ مصوب مجلس شورای ملی و سنا تأسیس شده و وظایف آن چنین پیش‌بینی شده است:

«به منظور تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در امور مالی و اجرای برنامه سیاست‌های مالی و تنظیم و اجرای برنامه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای خارجی، وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود».

بنابراین وزارت اقتصاد و دارایی برپایه قانون تأسیس آن حق دخالت در وظایف ذاتی کانون‌های وکلا در چارچوب قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری سال ۱۳۷۶ و یا نهادهای مستقلی که به موجب قوانین ویژه، زیرمجموعه قوه قضاییه هستند مانند سازمان ثبت اسناد و املاک، کانون کارشناسان رسمی، کانون سردفتران و دفتریاران را ندارد.

۳- قانونگزاری با ابزار تهدید

کانون‌های وکلای دادگستری بر پایه ماده یک قانون استقلال کانون مصوب اسفند ۱۳۳۳ دارای شخصیت حقوقی هستند و وظایف خود را برپایه این قانون و آیین‌نامه اجرای آن مصوب سال ۱۳۳۴ و تبصره ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در پذیرش داوطلبان و صدور پروانه وکالت برای آنان در چارچوب این قوانین لازم‌الاجرا انجام می‌دهند. ولی در این بند الحاقی به دنبال آن هستند کانون وکلای دادگستری و دیگر نهادهایی را که برپایه قوانین دائمی تأسیس شده‌اند با به تعطیل کشیدن این قوانین لازم‌الاجرا به کنترل غیرقانونی وزیر اقتصاد و دارایی درآورند. در همین راستا به ابزار تهدید دست یازیده و افزوده‌اند:

«هر کس از اجرای احکام فوق استنکاف نماید به تشخیص مرجع قضایی ذیصلاح به مجازات

درجه ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی محکوم خواهد شد».

هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا، ارگان‌های اجرایی وظایف پیش‌بینی شده در قانون استقلال کانون و آیین‌نامه اجرای آن هستند. دیگر نهادهایی هم که در این بند الحاقی از آن‌ها یاد شده هریک دارای

شخصیت حقوقی هستند و مدیران آنها به نمایندگی از شخصیت حقوقی این نهادها وظایف خود را انجام می‌دهند. بنابراین مدیران این نهادها به اراده و اختیار خود تصمیم‌گیری نمی‌کنند. ولی در ذیل این بند الحاقی، این واقعیت حقوقی نادیده گرفته شده و افزوده‌اند:

«هر کس از اجرای احکام فوق استنکاف کند...».

کسانی که ابتکار تدوین و تصویب این بند الحاقی را داشته‌اند، باید بدانند با این قانونگزاری زورگویانه نمی‌توانند قانون استقلال کانون وکلا و دیگر قوانین لازم‌الاجرای کشور را نسخ کنند و تا هنگامی که این قوانین اعتبار دارند، ارگان‌های اجرای این نهادها دارای شخصیت حقوقی باید وظایف خود را در چارچوب این قوانین انجام دهند و هرگز ابزار بی‌اراده اجرای تصمیم‌های وزیر اقتصاد و دارایی نخواهند شد.

۴- تخلف از اصل ۱۷۳ قانون اساسی

اصل ۱۷۳ قانون اساسی برای پیشگیری از استبداد و قانون‌شکنی مقامات دولتی، رسیدگی به دادخواهی شهروندان از تصمیم‌های مأمورین دولتی و آیین‌نامه‌ها را در صلاحیت دیوان عدالت اداری نهاده است. در پی تقدیم شکایت تنی چند از وکلای دادگستری به نمایندگی از کانون وکلای مرکز به دیوان عدالت اداری و با این استدلال روشن که حرفه وکالت دادگستری بر پایه اصل ۳۵ قانون اساسی عهده‌دار تضمین برگزاری دادرسی عادلانه است و به هیچ وجه کسب و کار شمرده نمی‌شود، از این دیوان درخواست کردند تصمیم وزارت دارایی و هیأت مقررات‌زدایی وابسته به آن را که حرفه وکالت را کسب و کار شمرده‌اند ابطال کند. خواندگان این شکایت به دفاع از تصمیم خود پرداختند و تصمیم‌های خود مبنی بر بارگزاری پروانه‌های وکالت دادگستری در درگاه مجوزهای کسب و کار را مستند به قانون اصلاح مواد ۷ و ۱ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ برشمردند. ولی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با رد این استدلال، تصمیم هیأت مقررات‌زدایی وابسته به وزارت دارایی در لزوم بارگزاری پروانه‌های وکالت دادگستری در درگاه غیرقانونی مجوزهای کسب و کار را ابطال کرد. در بخشی از تصمیم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری چنین آمده است:

«با عنایت به این که در رابطه با وکالت دادگستری، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده و نحوه

صدور پروانه فعالیت در این حوزه‌ها در قانون وکالت [سال ۱۳۱۵]، لایحه استقلال کانون وکلای

دادگستری، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری... تعیین تکلیف شده است، لذا مشاغل

مزبور از شمول احکام مقرر در ماده ۷ قانون سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج هستند...».

رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعبه‌های دیوان و مراجع اداری به ویژه وزارت اقتصاد و دارایی که خواننده این شکایت بوده است لازم‌الاتباع می‌باشد. به ویژه ماده ۹۲ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری افزوده است:

«هرگاه مراجع و مقامات مذکور، مصوبه جدیدی تحت هر عنوانی مغایر با مفاد رأی مذکور تصویب کنند به درخواست رییس دیوان، موضوع به صورت خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ این قانون و فقط با دعوت از نماینده مرجع صدور مصوبه جدید، در هیأت صادرکننده رأی قبلی رسیدگی و از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».

و در پایان این ماده افزوده شده است:

«مقامات و اعضای که برخلاف رأی دیوان مبادرت به وضع چنین مقرره‌ای نموده‌اند، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص بوده و به عنوان مستنکف شناخته شده و مشمول ماده ۱۱۲ این قانون می‌شوند».

ماده ۱۱۲ این قانون نیز برای مقاماتی که از اجرای آرای دیوان عدالت اداری استنکاف کنند، انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال و یا محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال و جبران خسارات وارده را پیش‌بینی کرده است.

نمایندگان مجلس نیز در همین راستا تکلیف دارند به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه شریف و کالت دادگستری را کسب و کار به شمار نیاورده است احترام گزارند و از آن تخلف نکنند و هرگونه قانون‌گذاری برای ناکام‌ساختن رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه و کالت را از شمول کسب و کارها بیرون دانسته بی‌اعتبار است.

۵- بستن راه دادخواهی شهروندان

در تبصره یک این بند الحاقی جدید افزوده‌اند:

«مصوبات هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار قابل اعتراض و یا شکایت در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نبوده و...».

آوردن این تبصره در این بند الحاقی به انگیزه بستن راه دادخواهی از تصمیم‌های مغایر با قانون مقامات دولتی در دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع قضایی و تخلف آشکار از اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. شگفت‌انگیزتر این است که در دنباله این تبصره افزوده‌اند:

«به منظور اعمال نظارت قضایی بر مصوبات این هیأت، شعب ویژه، مستقر در وزارت امور اقتصاد و دارایی جهت رسیدگی به اعتراضات ذی‌نفعان با پیشنهاد وزیر دادگستری تشکیل و رییس آن از بین قضات دارای پایه ۹ قضایی و بالاتر پس از موافقت رییس قوه قضاییه و با ابلاغ ایشان منصوب می‌شود».

این در حالی است که دیوان عدالت اداری که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی پیش‌بینی شده بخشی از قوه قضاییه است که وظایف و اختیارات آن در اصل‌های ۱۵۶ تا ۱۷۴ قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند. ولی در این تبصره به دنبال تأسیس شعبه‌های ویژه! آن هم مستقر در وزارت امور اقتصادی و دارایی و با پیشنهاد

وزیر دادگستری هستند. تشکیل دادگاه ویژه، دارای مغایرت ذاتی با موازین دادرسی عادلانه است و نمی‌تواند جایگزین دیوان عدالت اداری که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی پیش‌بینی شده است بشود. دادگاه رسیدگی به تخلفات مأمورین دولتی از قوانین کشور نیز هرگز نمی‌تواند در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل شود. وزیر دادگستری نیز رابط میان قوه قضاییه و قوه مجریه است و هرگز دارای اختیارات رییس قوه قضاییه که در اصل‌های ۱۵۶ تا ۱۷۴ پیش‌بینی شده‌اند نخواهد بود. بنابراین مندرجات این تبصره، تجاوز به اصل تفکیک قوا موضوع اصل‌های ۵۸، ۶۰ و ۶۱ قانون اساسی و تجاوز به اصل ۳۴ قانون اساسی است که دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و افزوده است که «هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». این تبصره به روشنی نشان می‌دهد نویسندگان این بند الحاقی و آنانی که به آن رأی داده‌اند حُسن‌نیت ندارند و به موازین قانونگذاری آگاه نیستند و به سوگندی به اجرای قانون اساسی یاد کرده‌اند نیز پای‌بندی ندارند.

۶- اعتبار بخشی ناروا به مصوبات هیأت مقررات‌زدایی

قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۷ با ادعای خصوصی‌سازی اقتصاد دولتی و بیمار ایران به تصویب رسید. پیش از تصویب آن در مجلس در مقاله‌ای زیر عنوان «خصوصی‌سازی و حکومت قانون» که در شماره بهار و تابستان سال ۱۳۸۶ مجله کانون وکلای دادگستری مرکز به چاپ رسید، ناسازگاری‌های این قانون با قانون اساسی را نشان دادم و بر فساد برانگیز بودن آن تأکید کردم. از همین‌رو اجرای این قانون که فسادهای گسترده‌ای را به بار آورد روز ۱۰ مهر ۱۳۹۲ با دستور حسن روحانی رییس‌جمهور وقت متوقف گردید. با این حال از آن‌جا که نمایندگان حقیقی مردم به این مجلس‌ها راه نمی‌یابند در بهمن سال ۱۳۹۹، قانون بیهوده‌ای به نام «اصلاح مواد ۱، ۷ و ۳۰ قانون سیاست‌های اصل ۴۴» در مجلس تصویب شد. در ماده ۲ این مصوبه، هیأتی را به نام «مقررات‌زدایی و بهبود فضای کسب‌وکار» را در وزارت اقتصاد و دارایی تشکیل دادند که در جای خود ناسازگار با قانون اساسی است و جایگاهی در وظایف قانونی وزارت اقتصاد و دارایی نیز ندارد. اکنون در تبصره ۲ این بند الحاقی، با شگفتی، ارزش و اعتبار مصوبات هیأت موسوم به مقررات‌زدایی را به سطح قوانین کشور بالا برده و افزوده‌اند:

«تصمیمات هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آن در سایت روزنامه رسمی کشور[!] از سوی ذینفع، قابل اعتراض در شعبه ویژه [مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی] خواهد بود...».

در همه کشورها برای انتشار قانون و آگاهی مردم از مندرجات آن تشریفاتی پیش‌بینی شده است. ماده یکم قانون مدنی ایران اصلاحی سال ۱۳۷۰ نیز تأکید کرده است مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از گذراندن مراحل قانونی به دستور رییس‌جمهور در روزنامه رسمی انتشار می‌یابد. بر پایه ماده ۲ قانون

مدنی نیز قانون، ۱۵ روز پس از انتشار لازم‌الاجرا می‌گردد. ماده ۳ نیز مقرر کرده است «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی انجام شود».

ولی تبصره ۲ بند الحاقی جدید به دنبال آن است ارزش و اعتبار تصمیم‌های هیأت خلاف قانون اساسی هیأت موسوم به مقررات‌زدایی را در اندازه قوانین مصوب مجلس بالا برده و خواستار «انتشار آن‌ها در سایت روزنامه رسمی» شده است. و سپس تشریفات بیهوده‌ای برای اعتراض به تصمیم‌های این هیأت در شعبه‌های ویژه مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی در نظر گرفته است تا راه را بر دادخواهی شهروندان در دیوان عدالت اداری در چارچوب اصل ۱۷۳ قانون اساسی به شیوه دیگری ببندد.

۷- قانون شمردن تصمیم‌های اداری

تبصره ۳ بند الحاقی مورد بحث با تجاوز آشکار به اصل ۵۸ قانون اساسی که قانونگزاری را از حقوق و اختیارات نمایندگان برگزیده مردم دانسته و با تخلف از روشن‌ترین موازین حقوقی، تصمیم‌های اداری و بی‌ارزش هیأت موسوم به مقررات‌زدایی را «برای همه مراجع اداری و قضایی لازم‌الاجرا» دانسته و افزوده است هرکس از اجرای آن استنکاف نماید در مراجع ذیصلاح به مجازات درجه ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. این تبصره تجاوز آشکار به اصل ۱۶۶ قانون اساسی نیز می‌باشد که برپایه آن: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

بنا به مراتب مزبور، بند الحاقی به ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید مصوب سال ۱۳۹۴ که طرحی درباره آن به امضای حداقل ۱۵ تن از نمایندگان به مجلس تقدیم نشده و فرآیند قانونگزاری را دنبال نکرده و مندرجات آن ناسازگار با اصول گوناگون قانون اساسی است بی‌اعتبار است و نمی‌تواند جامعه شریف قانون را بر تن کند.

و این سرنوشت قوه مقننه در کشور ماست که انتخابات آن با قانون غیراستاندارد سال ۱۲۹۰ خورشیدی که ۱۱۲ سال از تاریخ تصویب آن گذشته است برگزار می‌شود و نمایندگان شجاع و مدافع قانون اساسی به آن راه نمی‌یابند. قانون استقلال کانون وکلای دادگستری با تلاش و پشتکار پیشگامان حرفه وکالت در پنجم اسفند ۱۳۳۳ به تصویب نمایندگان شریف مجلس شورای ملی و سنا رسید و کانون وکلا در ایران هم‌سنگ با کانون‌های وکلا در کشورهای پیشرفته از نظارت و دخالت وزارت دادگستری آزاد گردید. استقلال کانون وکلا، تضمین استقلال وکیل در امر دفاع در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در همین راستا حق برخورداری از وکیل را برای همه دادخواهان الزامی شناخته است. امید است کانون‌های وکلای دادگستری ایران که افتخاری برای نظام حقوقی کشور ما هستند با همه توان در برابر این قانونگزاری‌های هرج و مرج طلبانه که در هم شکستن استقلال کانون را هدف قرار داده‌اند ایستادگی و از استقلال کانون وکلا دفاع کنند.